

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۰

جستاری در هم‌بستگی آیین فتوت و طریقت علوی - بکتاشی در آناتولی

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۳

تاریخ تأیید: ۹۶/۹/۱۴

فهیمة مخبر دزفولی *

خلفای عباسی با حمایت از آیین فتوت در قرن‌های ششم و هفتم هجری و پیوستن به فتیان، کوشیدند پایه‌های خلافت خویش را مستحکم‌تر کنند. این امر، سبب گسترش تشکیلات فتوت در سرزمین‌های اسلامی شد. پس از حمله مغول و پناه‌بردن گروهی از دانشمندان، عارفان و صوفیان به قلمرو سلاجقه روم و حمایت پادشاهان سلجوقی از اصحاب فتوت و شیوخ صوفی و به دنبال تحولات سیاسی - اجتماعی این منطقه، گرایش‌های مختلف تصوف نیز در آناتولی رواج یافت. طریقت علوی - بکتاشی، از جمله این گرایش‌ها بود که با حفظ ماهیت ستیزه‌جویانه خود با سلاجقه و اثرپذیری فراوان از آیین فتوت، به یکی از پرنفوذترین مکاتب تصوف در آناتولی تبدیل شد. با قدرت‌یافتن شیوخ علوی - بکتاشی در عصر سلاطین عثمانی و سلطه معنوی این طریقت بر سپاه ینی‌چری، به تدریج پیروان فتوت در آناتولی هم به بکتاشیه پیوستند. به نظر می‌رسد، بکتاشیان در چگونگی برپایی مراسم، اظهار شعائر شیعی بدون

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رایانامه: fmokhber_d@yahoo.com

پشتوانه اعتقادی و پرهیز از تفکرات فلسفی، از اصحاب فتوت تأثیرهایی پذیرفته‌اند. این مقاله، تأثیر تشکیلات فتوت بر طریقت علوی - بکتاشی و شباهت‌های بین این دو را موضوع بررسی خود قرار داده است.

کلیدواژگان: علویان بکتاشی، حاج بکتاش ولی، آناتولی، سلجوقیان روم، آیین فتوت.

مقدمه

پیروزی ترکان سلجوقی در نبرد ملازگرد (۴۶۳ق) و ورود به آناتولی، فصل تازه‌ای را برای این سرزمین کهن رقم زد.^۱ ظهور دولت سلاجقه روم، سبب ایجاد تحولات وسیع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این منطقه شد. به تدریج و با تثبیت دولت سلجوقیان روم، ترکان بیابانگرد و شهرنشین در پی آوازه رفاه و امنیت در آناتولی، بیابان‌های آسیای مرکزی را درنوردیده و دسته‌دسته به سوی آناتولی تاختند. این روند، به‌خصوص با هجوم مغول به سرزمین‌های اسلامی و ناامنی در مناطق گسترده‌ای از جهان اسلام، شدت گرفت.^۲ مغولان با کشتار وسیع و ویرانی شهرها، سبب مهاجرت اندیشمندان، علما و صوفیانی شدند که برای حفظ جان خویش به قلمرو سلاطین سلجوقی روم پناه آورده بودند.

حضور صوفیان و علما در میان توده ترکان نووطن، محیط مناسبی برای تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی فراهم آورد. اسپروس در اثرش به نام *افول یونانیگری میانه در آسیای صغیر و روند اسلامی‌شدن از قرن یازدهم تا پانزدهم*، رفتار مبتنی بر بزرگواری پادشاهان سلجوقی با ساکنان آناتولی و تسامح و لطافت اسلام صوفیانه در جذب مخاطبان را در اسلامی‌شدن آناتولی مؤثر دانسته است.^۳ به این ترتیب، آناتولی به‌سرعت به میدانی تبدیل شد برای تشکیل گروه‌ها و مکاتب مختلفی که غالباً شیوخ مهاجر و دور از وطن، آن‌ها را تأسیس می‌کردند.^۴

اصحاب فتوت که در آناتولی «اخیان روم» نامیده می‌شدند و از دیرباز در جهان اسلام فعالیت داشتند، با هجوم مغول و ناامنی مناطق جهان اسلام، بر فعالیت خویش افزودند و

آناتولی به یکی از صحنه‌های ظهور و فعالیت آنان تبدیل شد. در همین دوره، شیوخ صوفی بزرگی چون: شیخ اوحدالدین کرمانی (۶۳۵ق)، مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ق)، صدرالدین قونوی (۶۷۳ق) و حاج بکتاش ولی (۶۶۹^۵) نیز در این منطقه فعالیت داشتند. به نظر می‌رسد، حمایت پادشاهان سلجوقی از شیوخ صوفی، تا زمانی که مخاطره سیاسی نداشتند، در این رشد و رونق تأثیر داشت.

از آنجا که حاج بکتاش ولی، از خلیفگان بابا الیاس، رهبر نهضت بابائیان (۶۳۸ق) بود،^۶ بکتاشیان طریق مقابله با سلجوقیان را در پیش گرفتند و به تدریج در سقوط سلجوقیان و روی کار آمدن دولت عثمانی، نقش قابل توجهی را ایفا کردند.^۷ این مقاله، با مروری بر اوضاع فرهنگی آناتولی در قرن هفتم هجری که کانون فعالیت مکاتب مختلف تصوف بود، به تأثیر فراگیر اصحاب فتوت بر طریقت علوی - بکتاشی و در نتیجه، شباهت‌های این دو گروه که در دوره عثمانی به پیوستن اخیان به طریقت علوی - بکتاشی منجر شد، خواهد پرداخت.

درباره اصحاب فتوت در آناتولی، تحقیقات فراوانی انجام شده است. این تحقیقات، بر اساس فتوت‌نامه‌های متعددی است که از دوره‌های مختلف باقی مانده‌اند. عبدالباقی گولپینارلی در اثرش، *فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن*،^۸ علاوه بر ارائه فتوت‌نامه ناصری، به بسیاری از فتوت‌نامه‌های موجود در کتابخانه‌های ترکیه اشاره کرده است. در ایران نیز محسن افشاری در *فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه*^۹ و همچنین، در اثر دیگری با همکاری مهدی مدائینی به نام *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*،^{۱۰} تعدادی از فتوت‌نامه‌های مهم را جمع‌آوری کرده است؛ اما در مورد طریقت علوی - بکتاشی، تحقیقات اندکی به زبان فارسی موجود است. دو کتاب *پیدایش طریقت علوی - بکتاشی در آناتولی* از فهیمه مخبر دزفولی^{۱۱} و *ترکان، اسلام و علوی‌گری - بکتاشی‌گری در آناتولی* از محمدتقی امامی خوبی،^{۱۲} تنها تحقیقات انجام‌شده درباره طریقت علوی - بکتاشی در

ایران هستند؛ اما نویسندگان تُرک چون: احمد یاشار اجاق، اسد جوشان و فغلالی،^{۱۳} آثار متعددی در خصوص بکتاشیه نوشته‌اند که در این مقاله، از آن‌ها استفاده شده است.

آناطولی^{۱۴} در قرن هفتم هجری

در آغاز قرن هفتم هجری، سرزمین‌های اسلامی در آتش اختلاف و درگیری می‌سوختند و خلیفه عباسی به جای تلاش برای وحدت و همدلی حاکمان اسلامی، آنان را بر ضد یکدیگر تحریک می‌کرد و آتش اختلافات حاکمان محلی را شعله‌ورتر می‌نمود.^{۱۵} در مشرق اسلامی، سلطان محمد خوارزمشاه (۵۹۶-۱۷عق) از یک طرف با شاهان قراختایی (۵۱۸-۱۴عق) و غور (۵۴۳-۱۲عق) می‌جنگید و از طرف دیگر، سودای براندازی خلافت عباسیان را در سر داشت. مصر و شام در دست کردان ایوبی بود و آنان ضمن اختلاف با یکدیگر، با صلیبیان نیز می‌جنگیدند. پادشاهان سلجوقی روم هم در رقابت و دشمنی بر سر قدرت که پیامد آن، قتل و کشتار بزرگان و مردم بی‌گناه بود، از همتایان خود در مناطق دیگر عقب‌نمانده بودند.^{۱۶}

ترس از تهاجم مغول و ضعف حکومت سلجوقیان که پس از مرگ لایق‌ترین حاکم سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد (۶۱۵-۳۴عق) به آن دچار شده بود، سبب بی‌نظمی‌های اجتماعی گردیده بود. مردم شاهد اختلاف و کشمکش بین شاهزادگان سلجوقی از یک سو، و درگیری با وزیرانشان از سوی دیگر بودند. وزرا به علت ناامنی، به مخالفت با پادشاهان برمی‌خاستند و حکام سر به شورش برمی‌داشتند و سلاطین سلجوقی به بهانه‌های مختلف وزیران را می‌کشتند.^{۱۷} عدم امنیت، سبب فعالیت بیش از پیش اصحاب فتوت شده بود که شالوده مکتب خویش را بر حفظ سلامت و امنیت مردم عادی می‌دانستند.^{۱۸}

فتوت در آناتولی

پیشینه اهل فتوت یا جوانمردان، احتمالاً به ایران دوره ساسانیان می‌رسد؛^{۱۹} هر چند مفهوم آن برای اعراب هم ناآشنا نبود. اهل فتوت، مظهر دلاوری، مردانگی، سخاوت و دادرسی بودند و غالباً جزء ارباب صنایع و حرفه‌ها به شمار می‌رفتند.^{۲۰} در دوره دوم عباسیان و با ضعیف‌شدن جایگاه خلافت و ناتوانی در حفظ امنیت مردم، چنین گروه‌هایی به‌خصوص در مناطق آشوب‌زده، به فعالیتی گسترده دست زدند. در واپسین سال‌های خلافت عباسیان، الناصر لدین الله (۵۷۵-۶۲۲ق) ریاست اهل فتوت را پذیرفت و کوشید از وجهه اجتماعی آنان برای تثبیت پایه‌های لرزان خلافت خاندانش بهره گیرد. این حمایت، سبب ترویج و اشاعه آیین فتوت در سراسر قلمرو اسلامی شد. یکی از صحنه‌های ظهور فتوت در مناطق اسلامی، ناحیه آناتولی بود. رابطه دوستانه پادشاهان سلجوقی روم با دستگاه خلافت، به‌ویژه در دوره الناصر لدین الله، بر نفوذ اهل فتوت در هیئت حاکمه تأثیر داشت؛ تا آن‌جا که سلاطین سلجوقی، خود نیز به این کسوت درآمدند.^{۲۱}

تشکیلات فتوت را در آناتولی «اخیان»، و شیوخ آنان را «اخی» می‌نامیدند.^{۲۲} در طول دوره سلجوقیان تا اوایل دوره عثمانی، افرادی که «آلپ ارنلر» و «غازیان روم» نامیده می‌شدند، به شاخه سیفی^{۲۳} طریقت فتیان تعلق داشتند.^{۲۴} گستردگی شبکه اخیان در آناتولی را از اسامی اشخاص بسیاری که با این لقب نامیده می‌شدند، می‌توان دریافت. شیخ نصیرالدین محمود، مشهور به اخی اورن، داماد شیخ الفتیان اوحدالدین کرمانی (د. ۶۳۵ق) از بنیان‌گذاران اخیان در آناتولی بود. همچنین، حسام‌الدین چلبی، خلیفه مولانا جلال‌الدین رومی، از اخی‌زادگان آناتولی بود.^{۲۵} تشکیلات فتیان، در طول دوره سلجوقیان روم فعال بود؛ چنان‌که ابن بطوطه (۷۷۹ق) که در قرن هشتم هجری از آناتولی گذر کرده است، از اخیانی نام می‌برد که در سرتاسر آناتولی پراکنده بودند و تکیه‌های آنان، پناهگاه غریبان و بی‌پناهان بوده است.^{۲۶} عاشق پاشازاده نیز گروه‌های موجود در آناتولی را غازیان، اخیان، ابدلان و باجیان می‌داند.^{۲۷}

در ذکر حوادث آغاز دوره عثمانی نیز به کرات به نام‌های اخیان اشاره شده است. شیخ اده‌بالی (۷۲۶ق)، پدرزن عثمان غازی، از رؤسای اخیان بود. عثمان غازی با دختر وی، ملخون خاتون، ازدواج کرد و از نفوذ اخیان در نیل به مقاصد خود بهره‌مند شد.^{۲۸}

حاج بکتاش ولی در آناتولی

به هنگام ورود حاج بکتاش ولی، بنیان‌گذار طریقت علوی - بکتاشی، به آناتولی و پیوستن به نهضت بابائی (۳۷ق)، سال‌ها از فعالیت اصحاب فتوت در آن سامان می‌گذشت و دامنه تأثیر آنان بر مکاتب مختلف تصوف رایج در آناتولی گسترده بود. پس از شکست نهضت بابائی که با کشتار بابائیان توسط حکومت سلجوقیان روم و هزیمت باقیمانده آنان به نقاط مختلف آناتولی همراه بود،^{۲۹} حاج بکتاش ولی اقامت در شهرهای بزرگ آناتولی را که میدان حضور رهبران بزرگ صوفی چون: مولانا جلال‌الدین رومی، صدرالدین قونوی و اوحدالدین کرمانی بود، مناسب نیافت و به روستای کوچک صولوجه قراهویوق^{۳۰} مهاجرت کرد.

حاج بکتاش با سکونت در میان روستاییان ساده‌دل، به تبلیغ آموزه‌های صوفیانه خویش همت گمارد و به تدریج، نفوذ گسترده‌ای یافت. در واقع، حاج بکتاش ولی همچون مولانا یا صدرالدین قونوی، حکیمی متألّه نبود؛ او، عارفی مردمی بود که با افکار ساده عرفانی به روستاییان نزدیک شد و در کنار آنان ماند. بنا بر ولایت‌نامه، حاج بکتاش در مدت اقامت در این روستا، پیروان فراوانی یافت و افراد بسیاری از هر سو به زیارت وی می‌رفتند. وی، خلیفگانی به نقاط مختلف می‌فرستاد و در نتیجه، مریدان زیادی پیدا نمود.^{۳۱}

به هنگامی که آناتولی صحنه درگیری‌های خشونت‌بار مغولان و اختلافات پادشاهان سلجوقی بود، حاج بکتاش ولی در صولوجه قراهویوق پیام‌آور طریقتی شد که شعار آن عشق و مهربانی به همه موجودات و پذیرای همه افراد با عقاید و مذاهب گوناگون بود.^{۳۲} کتاب *مقالات* حاج بکتاش ولی، به زبانی ساده و قابل فهم برای مردم عادی، به توضیح

مسائل اعتقادی پرداخته است. بنا بر ولایت‌نامه حاج بکتاش ولی، وی با اخیان آناتولی مرتبط بود و به‌خصوص، با اخی اورن^{۳۳} دوستی صمیمانه‌ای داشت؛ هرچند در قیام و شورش او در قیصریه شرکت نکرد.^{۳۴}

اصحاب فتوت و بکتاشیان

فتوت‌نامه‌های متعدد باقیمانده از اصحاب فتوت، بیانگر اندیشه‌های حاکم بر مجامع آنان است. گولپینارلی در کتاب *فتوت در کشورهای اسلامی* به فتوت‌نامه‌های فراوانی اشاره کرده است که آن‌ها را در کتابخانه‌های استانبول و شهرهای دیگر ترکیه دیده است. با اینکه فتوت‌نامه‌ها صنفی است و برای هر گروه از مشاغل به طور جداگانه نوشته شده، نکات مشترکی در آن‌ها به چشم می‌خورد که بیان‌کننده یکی‌بودن اساس تشکیلات فتوت در مناطق مختلف است. مهم‌ترین نکات مشترک فتوت‌نامه‌ها عبارت‌اند از:

- تقدس‌بخشیدن به مشاغل مختلف از دیدگاه اهل فتوت، به گونه‌ای است که اصل هر شغل با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام پیوند دارد و احادیثی در مورد چگونگی شکل‌گیری و حتی خلقت وسایل لازم آن از جانب خداوند روایت شده است؛^{۳۵}

- تأکید بر این نکته که فتوت، مجموعه‌ای از خوی‌های نیک است؛ به همه نیکی کردن، بدون توجه به دین و مذهب آن‌ها، و همه را یکسان دیدن و خود را فروتر از همه دانستن؛

- باقی‌ماندن رسم فتوت از پیامبرانی چون ابراهیم علیه السلام و یوسف علیه السلام و اینکه فتوت از پیامبران به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سپس به امیر مؤمنان، علی علیه السلام رسیده است.^{۳۶} در اعتقاد اهل فتوت، اتصال سلسله به علی علیه السلام و پیروی از ایشان، اهمیت بسیاری دارد و در تمام فتوت‌نامه‌ها، چه آن‌ها که رنگ شیعی دارند و چه آن‌ها که از ویژگی‌های اهل سنت برخوردارند، محبت حضرت علی علیه السلام و پیروی از او، بزرگ‌ترین فضیلت به شمار آمده است.^{۳۷}

چنانچه اشاره شد، به هنگام شکل‌گیری مکاتب مختلف تصوف در آناتولی، اهل فتوت، طبقه‌ای مشخص و مورد حمایت سلجوقیان روم بودند و به همین دلیل نیز نه‌تنها بر بکتاشیه، بلکه بر سایر فرق تصوف نیز آثار فراوانی گذاشت؛ اما خصوصیتی مشابه در این آیین و طریقت بکتاشیه وجود داشت که آنان را به هم نزدیک‌تر کرد؛ به‌طوری‌که در دوره اول عثمانی که بکتاشیه به عنوان طریقتی معتبر، سپاه بنی‌چری را تحت حاکمیت معنوی خود قرار داد، بسیاری از فتیان به بکتاشیه پیوستند.^{۳۸}

زمینه‌های مشترک اعتقادی بین اهل فتوت و بکتاشیه

وجود اعتقادات و شعائر شیعی، گروه‌های علوی - بکتاشی و اهل فتوت را به هم نزدیک می‌کند؛ اما نمی‌توان آن‌ها را پیروان یکی از مکاتب رسمی شیعه به شمار آورد.^{۳۹} بکتاشیان مانند اهل فتوت، هیچ‌گاه در مفاهیم شیعی چون عصمت ائمه علیهم‌السلام و واقعه غدیر، به تعمق نپرداخته و گاهی مفهومی خودساخته و غیرمرتبط با تشیع را در نظر گرفته‌اند؛ برای مثال، کتاب *مقالات غیبیه و کلمات عینیه* منسوب به حاجی بکتاش ولی است. وی در این اثر، پس از حمد و ثنای الهی و نقل مطالبی از شیخ و مرادش، خواجه احمد یسوی، به تبیین آداب، عقاید و مقامات درویشان پرداخته است. حاجی بکتاش با اینکه در اثر خویش تمام اعتقادات صوفیانه‌اش را شرح داده، اما هیچ اشاره‌ای به امامت امام علی علیه‌السلام ننموده و اسمی از دیگر امامان شیعه علیهم‌السلام نیاورده است؛ حتی در روایاتی که از ایشان نقل کرده، جمله «کرم الله وجهه» را به دنبال نام ایشان آورده است که از مصطلحات اهل سنت است. اعتقادات حاجی بکتاش در این اثر، مانند: تقسیم عبادات، تکریم اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تعریف ایمان، بیشتر با مذهب حنفی مطابقت دارد که مذهب خواجه احمد یسوی نیز بوده است.^{۴۰} با وجود این، می‌توان متشیع‌بودن هر دو گروه را به عنوان یکی از وجوه تشابه آنان به حساب آورد.

علاقه زیاد به حضرت علی علیه‌السلام، از وجوه مشترک بین اصحاب فتوت و تمام طریقت‌های صوفیانه، از جمله طریقت علوی - بکتاشی است. بخشی از اعتقادات بکتاشیان

درباره حضرت علی علیه السلام، مانند: شجاعت، سخاوت و همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها، مشابه اعتقادات اهل تسنن و تشیع است؛ ولی علاقه بیش از حد به ایشان، رنگ‌وبوی صوفیانه داشته، گاهی فراتر نیز می‌رود. بکتاشیان نیز همچون اهل فتوت، سلسله شیوخ خود را عموماً به حضرت علی علیه السلام می‌رسانند. بنا بر ولایت‌نامه، سلسله طریقت حاج بکتاش ولی چنین است:

السید بکتاش خراسانی، شیخ لقمان پرنده، خواجه احمد یسوی، خواجه یوسف همدانی، شیخ ابوعلی فرمدی، شیخ ابوالحسن خرقانی، شیخ ابوالقاسم کرگانی، شیخ ابوعثمان مغربی، شیخ ابوعلی کاتب المصری، ابوعلی رودباری، جنید بغدادی، شیخ السری السقطی، معروف کرخی، داوود طایی، حبیب عجمی، حسن بصری، امام علی علیه السلام.^{۴۱}

احترام به دوازده امام علیهم السلام، چهارده معصوم علیهم السلام و شناخت آنان برای پیروان طریقت علوی - بکتاشی ضروری است؛ اما برداشت آنان از کلمه معصوم، بسیار ابتدایی است. آن‌ها معصومیت را مخصوص اطفال می‌دانند و از این‌رو، به اعتقاد بکتاشیان چهارده معصوم پاک علیهم السلام، چهارده کودک از فرزندان ائمه معصومین علیهم السلام هستند که در کودکی به شهادت رسیده‌اند و عبارت‌اند از: محمداکبر فرزند امام علی علیه السلام، چهل‌روزه؛ عبدالله بن حسن علیه السلام، هفت‌ساله؛ عبدالله بن اکبر، فرزند امام حسین علیه السلام؛ کاظم بن حسین علیه السلام، چهارساله؛ حسین بن زین العابدین، شش‌ساله؛ کاظم بن سجاد علیه السلام، چهارساله؛ علی بن محمد باقر علیه السلام، چهارساله؛ عبدالله بن اصغر بن جعفر الصادق علیه السلام، سه‌ساله؛ یحیی الیهادی بن جعفر علیه السلام، ده‌ساله؛ صالح بن موسی کاظم علیه السلام؛ طیب بن موسی کاظم علیه السلام؛ جعفر بن محمد التقی علیه السلام؛ کاظم بن علی النقی علیه السلام و جعفر بن حسن العسکری علیه السلام.^{۴۲} اسامی این معصومین علیهم السلام، شباهت کاملی با چهارده معصوم از دیدگاه اهل فتوت قلندریه دارد.^{۴۳}

طریقت بکتاشیه، به طریقت چهار باب و چهل مقام مشهور است. این چهار باب، عبارت‌اند از: شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت. برای هر کدام از این ابواب نیز ده مقام ذکر شده است که مشابه بسیاری از مقامات در سایر مکاتب تصوف است و پیچیدگی

خاصی ندارد. به این ترتیب، سادگی آموزه‌های اصحاب فتوت نیز در آموزه‌های علوی - بکتاشی بازتاب یافته است. مهربانی به خلق و گشوده‌بودن باب ورود به آیین فتوت، با هر اعتقاد و گرایش دینی، در میان علوی - بکتاشیان نیز وجود داشت. در واقع، حاج بکتاش ولی، بنیان‌گذار طریقتی بود که شعار آن، عشق و مهربانی به همه موجودات بود. در این طریقت، به رعایت ادب و نثار محبت، به همه موجودات زنده، بلکه به اشیای بی‌جان نیز توصیه شده است.^{۴۴} محبت و پذیرش دیگران و کمک به آنان، از اصول مشترک بین بکتاشیه و فتوت بود که سبب شد افراد با هر عقیده و مذهبی، به حلقه پیروان آن‌ها درآیند.

ابومسلم خراسانی، از دیگر شخصیت‌هایی است که بین اصحاب فتوت و سپس علویان، محترم و مشهور بوده است. به اعتقاد آنان، وی با پشتیبانی عامه مردم به پیروزی رسید و از این رو، در میان پیشه‌وران و اصناف که غالباً اهل فتوت بودند، به صورت قهرمانی شجاع شهرت یافت. داستان ابومسلم، بین اخیان آناتولی معروف شد و سپس از همین طریق، به مجالس علوی - بکتاشی راه یافت؛ برای نمونه، تبری که بر دیوار تکیه‌های بکتاشی دیده می‌شود، «تبر ابومسلم» نامیده می‌شود. بعضی از درویش نیز این تبر را در کمر بند خود حمل کرده، آن را «تبر ابومسلم» می‌نامیدند.^{۴۵}

تعداد بسیاری *ابومسلم‌نامه* به زبان ترکی موجود است که بیانگر رواج ابومسلم‌خوانی در مجامع مختلف فتیان و علویان آناتولی است.^{۴۶} *ابومسلم‌نامه*، حماسه ابومسلم خراسانی و رمانی جذاب از سرگذشت قهرمانی‌های ابومسلم است که ابوطاهر طرسوسی^{۴۷} آن را نوشته است. بعدها شخصی آن را به شکل منظوم و به زبان ترکی درآورد. این منظومه، امروزه نیز در قهوه‌خانه‌های ترکیه خوانده می‌شود و ادبیات عامیانه‌ای پدید آورده است که در آن، ابومسلم، قهرمانی ترک و در پی خون‌خواهی شهیدان کربلاست.^{۴۸} در *ابومسلم‌نامه*، یاران ابومسلم، گروهی از عیاران راستگو و درست‌کردارند که روزها مشغول کارند و شب‌ها به

وقت ضرورت به یاری او می‌شتابند. همچنین، در این کتاب، ابومسلم نظر کرده پیامبر ﷺ است و به حضرت علی علیه السلام نیز سخت ارادت می‌ورزد.^{۴۹}

زنان، در آیین فتوت از ارزش و احترام خاصی برخوردارند. تشکیلات زنان در سازمان اخیان جدا بود و آنان را «باجیان» می‌گفتند. عاشق پاشازاده، به باجیان روم به عنوان یکی از چهار گروه متصوفه در زمان خود اشاره کرده است.^{۵۰} باجیانی چون فاطمه باجی، در تحولات سیاسی و اجتماعی آناتولی سهم و نقش داشتند.^{۵۱} زنان، در طریقت بکتاشی نیز جایگاه خاصی دارند و هیچ تفاوتی بین زن و مرد در ورود به طریقت و طیّ مراحل مختلف آن نیست. زنان در طریقت بکتاشی، همراه با مردان عبادت می‌کنند و زن در صورت اجازه پیر، می‌تواند ساقی^{۵۲} شود. زنان از سهم‌الارث مساوی با مردان و ادای شهادت کامل برخوردارند. همچنین، مردان بکتاشی حق تعدد زوجات ندارند و صحبت کردن و دست‌دادن با زنان، گناه محسوب نمی‌شود.^{۵۳}

به نظر می‌رسد، بیشترین تأثیرگذاری اهل فتوت بر طریقت بکتاشی، در زمینه آداب و مراسم رایج در مجامع آن‌ها بوده است. به اعتقاد اخیان، علی علیه السلام کمر هفده تن را بسته است که آنان را «کمربستگان» گویند و در رأس آن‌ها، سلمان فارسی است.^{۵۴} فتوت‌نامه‌ها، مطالب مفصلی درباره: آیین کمر بستن، شربت‌نوشیدن و ازارپوشیدن که بین اصناف مختلف مشترک بود و نیز مراسم جزئی‌تری چون: حلواخوردن، سفره‌انداختن و چراغ‌گرفتن دارند که برای هر صنف با اندکی تفاوت نقل شده‌اند. این رسوم، نمادین است و بر اساس فتوت‌نامه‌ها، ازارپوشیدن اشاره به فضیلت عفاف، کمر بستن اشاره به شجاعت و کمر به خدمت خلق بستن، و شربت‌نوشیدن از علم و حکمت حکایت می‌کند.^{۵۵}

از مقایسه کتاب *مناقب‌نامه* حاج بکتاش ولی با فتوت‌نامه‌ها، می‌توان به شباهت بسیاری از آداب و رسوم اهل فتوت با مراسم علویان پی بُرد. در آیین ورود به طریقت بکتاشی‌گری، آستان‌بوسی، شال‌بستن به کمر، نوشیدن شربت از کاسه و دعاهایی که در مراسم خوانده می‌شود، اقتباسی از آیین اخیان آناتولی است.^{۵۶} اقرار در میان بکتاشیان،

جاروزدن میدان تکیه، ترجمان‌های^{۵۷} آستان و قبول، تسلیم کردن طالب به مرشد با صلوات، طریقه گرفتن دست طالب توسط مرشد که انگشت‌های شست باید بیرون باشند، قرائت آیه بیعت،^{۵۸} توبه، صلوات فرستادن به دوازده امام علیهم‌السلام، زانوی چپ را به زمین زدن به هنگام نیاز^{۵۹} و دادن شربت، کاملاً مشابه اهل فتوت است.^{۶۰} همچنین، مراسم بستن شد (میان بستن)، دست بیعت و مراسم پخت حلوا در میان بکتاشیان، مانند فتیان است. کاوش در آثار و احوال شیوخ طریقت علوی - بکتاشی و فتوت، نشان می‌دهد که علوی - بکتاشی در سادگی اعتقادات و آیین‌های مذهبی، از فتیان تأثیر پذیرفته است. وجود شعائر شیعی، ناشستن تفکرات فلسفی و تمرکز بر انجام اعمال و مراسم خاص، احتمالاً از نقاط مشترک این دو گروه است و خود، دلیلی بر سهولت تأثیرپذیری علویان آناتولی از اهل فتوت بوده است.

نتیجه‌گیری

اصحاب فتوت، از گروه‌های متنفذ در آناتولی بودند که در قرون هفتم و هشتم، بر مکاتب صوفی رایج در آناتولی تأثیر فراوانی گذاشتند. طریقت علوی - بکتاشی، از جمله این مکاتب بود که در عقیده و عمل، وامدار فتیان بودند. متشیع‌بودن، علاقه بی‌حد به امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام و انتساب سلسله شیوخ خود به آن حضرت، خواندن ابومسلم‌نامه و نیز اشتراک در آداب و رسومی چون: بستن شد (میان بستن)، نوشیدن شربت و اسامی کمربستگان، از جمله شباهت‌هایی است که بین اصحاب فتوت و بکتاشیان وجود دارد. به نظر می‌رسد، سادگی آموزه‌ها، تأکید بر انجام مراسم مذهبی تا تفکرات پیچیده و حفظ شعائر شیعی در هر دو گروه، آن‌ها را به هم نزدیک نمود و در نهایت، با قدرت گرفتن طریقت علوی - بکتاشی در دوره عثمانی، بسیاری از اصحاب فتوت به این طریقت پیوستند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ترکان، تاخت‌وتاز در آناتولی را از حدود سال ۴۴۰ ق آغاز کردند. ابن‌اثیر، سبب آن را هجوم ترکان غز و مهاجر به قلمرو سلاجقه بزرگ می‌داند. در دوره آلب ارسلان، این حملات بیشتر شد و عاقبت در ۴۶۳ ق با وجود کمی قوای وی نسبت به لشکریان روم، پیروز شد و امپراتور روم، دیوجنس، به اسارت سپاهیان سلجوقی درآمد. (ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر، الطبعة السادسة، ج ۹، ص ۵۴۶)

۲. ابن‌بی‌بی، به عظمت دوره علاء‌الدین کیقباد سلجوقی و حمایت او از شیوخ تصوف، اشاره کرده است. (ابن‌بی‌بی، *الأوامر العلائیه فی امور العلائیه*، چاپ سنگی، شماره ب. ۹۰۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۹۴ - ۹۸)

3. Speros, Veryonis, *The decline of Medieval Hellenism in Asia Minor and the process of Islamization from the Eleventh through the fifteen century*, University of California press, 1971.

۴. ن.ک: مخبر دزفولی، فهیمه، *بیدایش طریقت علوی - بکتاشی در آناتولی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.

۵. برخی، وفات حاج بکتاش را در سال ۷۳۸ ق نوشته‌اند؛ اما صحیح نیست؛ زیرا این تاریخ برای تطبیق با لفظ «بکتاشیه»، از نظر حساب جُمَل، جعل شده است. در یادداشتی در پایان کتاب *اسرار حروفنامه*، وفات او ۶۶۹ ق ثبت شده است. در وقفنامه‌ای به تاریخ ۶۹۱ ق نیز پس از نام حاجی بکتاش، کلمه «المرحوم» آمده و در وقفنامه دیگری به تاریخ ۶۹۵ ق نیز که در خانقاه شیخ سلیمان ولی در قیرشهر موجود است، با قید «مرحوم» از او یاد شده است. بنابراین، تاریخ ۶۶۹ ق درست به نظر می‌رسد.

ن.ک: مخبر دزفولی، فهیمه، پیشین، ص ۱۰۲؛

Birge, John Kingsley, *The Bektashi order of Derwishes*, London, 1965, p 41.

6. See: Ocak, Ahmet Yasar, *Babaieler Isyani*, Istanbul, 1980.

۷. کوپرولو، فؤاد، *صوفیان نخستین در ادبیات ترک*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۴۳ - ۲۶۵.

۸. گولپینارلی، فتوت در کشورهای اسلامی، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: روزنه، ۱۳۷۹ ش.
۹. افشاری، محسن، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. افشاری، محسن و مهدی مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، مقدمه، تصحیح و توضیح مهران افشاری و مهدی مدائنی، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. مخبر دزفولی، فهیمه، پیدایش طریقت علوی - بکتاشی در آناتولی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. امامی خوبی، محمدتقی، ترکان، اسلام و علوی‌گری - بکتاشی‌گری در آناتولی، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
13. Ocak, Ahmet Yasar, *Babaieler Isyani*, Istanbul, 1980; Cosan, Esad, *Haci Bektasveli Makalat*, Ankara, 1986; Figlali, Ethem ruhi, *Turkiyede Alevilik ve Bektasilik*, Ankara, 1990.
۱۴. آناتولی، شبه‌جزیره پهناوری است که از شمال به دریای سیاه، تنگه بسفر، دریای مرمره و تنگه داردانل، از جنوب به دریای مدیترانه، سوریه و عراق؛ از شرق به ایران؛ از شمال شرقی به ارمنستان و گرجستان؛ و از جانب مغرب به دریای اژه و بخشی از مدیترانه محدود است. امروزه، تمام این شبه‌جزیره در بخش آسیایی ترکیه قرار دارد. برای اطلاعات بیشتر درباره جغرافیای تاریخی این سرزمین، ن.ک: W.M.Ramsay, *The Historical Geography of Asia Minor*, Amesterdam, 1962.
۱۵. خلیفه عباسی، امرای محلی را ضدّ هم تحریک می‌کرد. وی در سال ۶۱۲ ق پیامی برای ازبک‌بن‌پهلوان فرستاد و او را به جنگ منکلی، دست‌نشانده خوارزمشاه، برانگیخت. (ابن‌اثیر، *الکامل*، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵ م، ج ۱۲، ص ۳۰۶) همچنین، تحریک غوریان به شورش علیه سلطان محمد خوارزمشاه، از اقدامات وی بود. (جوینی، *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمدبن‌عبدالوهاب قزوینی، لیدن: بی‌تا، ج ۲، ص ۸۶)
۱۶. آق سزایی، *مسامرة الأخبار و مسایرة الأخیار*، به کوشش دکتر عثمان توران، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۵۲ - ۲۵۵.

۱۷. برای نمونه، سعدالدین کوپک که مدتی دراز بر مسند وزارت نشست و با کشتار بسیاری از دولتمردان سلجوقی نفوذ فوق‌العاده‌ای یافته بود، به دست جلاد سپرده شد. همچنین، معین‌الدین پروانه که خدمات بسیاری به دولت سلاجقه روم کرده بود، به همان سرنوشت دچار شد. (آق سراپی، پیشین، ص ۲۵۲)

۱۸. گولپینارلی، پیشین، ص ۵۶ - ۵۸.

۱۹. یک باب کامل از قابوس‌نامه، اثر عنصرالمعالی که بسیاری از آداب و رسوم دوره ساسانیان در آن ثبت شده است، به جوانمردی تعلق دارد. (عنصر المعالی، قابوس‌نامه، مقدمه و حواشی سعید نفیسی، تهران: ۱۳۶۲ش، ص ۱۷۷ - ۱۸۳) همچنین، ملک الشعراى بهار، خصوصیات طبقه سواران در دوره ساسانیان را چون جوانمردان می‌داند. (ملک الشعراى بهار، جوانمردی؛ آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: سخن، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۹)

۲۰. فتوت، اصطلاحی است که از حدود قرن دوم هجری در بسیاری از کشورهای شرقی دنیای اسلام، به‌ویژه عراق و ایران متداول گردید و در مورد افرادی به کار برده می‌شد که بر اساس پاره‌ای اشتراکات فکری و اجتماعی گرد هم آمده و تشکلهای نیرومندی در شهرها به وجود آوردند. (ربانی، زهرا، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، تهران: ۱۳۹۱ش، ص ۱۶۳) برای اطلاعات بیشتر درباره ارتباط فتوت با جوانمردی در ایران باستان، ن.ک: ربانی، زهرا، پیشین، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.

۲۱. عزالدین کیکاووس، پادشاه سلجوقی، شیخ مجدالدین اسحاق را با هدایای بسیاری نزد خلیفه فرستاد و خلیفه ضمن تکریم وی، به هنگام بازگشت، اجازه‌نامه فتوت خلیفه و شلوار فتوت و هدایای فراوانی را به قونیه فرستاد. (ابن‌بی‌بی، مختصر سلجوق‌نامه، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: ۱۳۵۰، ص ۹۴ - ۹۶) همچنین، الناصر لدین الله، خلیفه عباسی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی را همراه با منشور حکومت روم، ارمنستان و دیار بکر، با هدایایی نزد علاءالدین کیقباد فرستاد. سهروردی، با دست خود بر پادشاه سلجوقی خرقه پوشاند. (ابن‌بی‌بی، الأوامر العلائیه فی أمور العلائیه، پیشین، ص ۲۳۰ - ۲۳۲)

۲۲. گولپینارلی، پیشین، ص ۵۶.
۲۳. در فتوت‌نامه نجم زرکوب، ارباب فتوت به سه شاخه تقسیم شده‌اند: ۱. «قولی» که لشکری نیستند و محبان فتوت‌اند؛ ۲. سیفی، کسانی هستند که به‌ظاهر با کافران و در حقیقت، با نفس خود می‌جنگند و همان‌گونه که پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه شمشیر داد، اخیان به آنان شمشیر می‌دهند؛ ۳. «شربی» که شربت می‌نوشند. (گولپینارلی، پیشین، ص ۵۶)
۲۴. گولپینارلی در کتاب فتوت در کشورهای اسلامی، نام بسیاری از اخیان را که بر سنگ قبرهای متعلق به دوره سلجوقیان نقش بسته، ذکر می‌کند. (گولپینارلی، پیشین، ص ۱۰۴ - ۱۰۵)
۲۵. زرین‌کوب، عبدالحسین، جست‌وجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ش، ص ۲۹۱.
۲۶. ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، بیروت: ۱۴۰۵ق، ص ۲۸۷ - ۲۸۵.
۲۷. پاشازاده، عاشق، تواریخ آل عثمان، استانبول: مطبعة عامرة، ۱۳۳۲ق، ص ۲۰۵.
۲۸. اوزون چارشیلی، اسماعیل، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران: ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۰۷.
۲۹. ابن بی‌بی، الأوامر العلائیه فی أمور العلائیه، پیشین، ص ۵۰۴.
۳۰. این روستا، هم‌اکنون شهرستان حاج بکتاش، واقع در استان نوشهر ترکیه است و در آن، مجموعه آرامگاه، موزه و خانقاه حاج بکتاش قرار دارد.
۳۱. فغلالی، به اسامی خلفای حاج بکتاش اشاره کرده است. وی، از کسانی چون: سید جمال سلطان، ساری اسماعیل سلطان، رسول بابا سلطان، پیر ابی سلطان و تاپدوق امره، نام برده است. ساری سلتوق، مؤسس بکتاشیه، در بالکان، و برق بابا، از خلفای حاج بکتاش، در دربار غازان خان بود. (Figlali, p 9-188)
۳۲. در طریقت علوی - بکتاشی، به رعایت ادب و مهربانی، نه تنها با موجودات زنده، بلکه با اشیای بی‌جان نیز توصیه شده است. (Figlali, p 95)
۳۳. ابوالحقایق نصیرالدین محمودبن‌احمد، معروف به اخی اورن یا اخی اوران (۶۵۹ق)، پیر صنف دباغان ترک و پایه‌گذار طریقت اخی لیق در آناتولی است.

34. Golpinarly, *Vilayat-Name,ss.* Istanbul, 1995, pp 50,54&59.

۳۵. ن.ک: افشاری، محسن و مهدی مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، پیشین.

۳۶. گولپینارلی، پیشین، ص ۳۵ - ۳۸.

۳۷. همان، ص ۷۵.

۳۸. بیشتر محققان به پیوستن فتیان به طریقت علوی - بکتاشی در دوره عثمانی اشاره کرده‌اند.

(امامی خوبی، محمدتقی، پیشین، ص ۷ - ۱۲۸؛ گولپینارلی، پیشین، ص ۹۱؛ Birge, p 182;

(Figlali, p 121

۳۹. مخیر دزفولی، فهیمه، پیشین، ص ۸۰.

۴۰. حاج بکتاش ولی، مقالات غیبیه و کلمات عینیه، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران،

ش ۴۷۰۱.

۴۱. سلسله دیگری نیز برای حاج بکتاش نقل شده است که تا جنید بغدادی، مشابه سلسله قبلی

است؛ اما پس از او، به امام رضا علیه السلام، امام موسی کاظم علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام

سجاد علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام منتهی می‌شود. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Ali Aktas, *Hunkar Haci Bektas Veli, Alevilik Bektasi Arasimalari Sitesi,* Istanbul, 2005, p 2.

42. Birge, p 8-147.

۴۳. ن.ک: میرعابدینی، حسن و مهران افشاری، آیین قلندری، تهران: فراروان، ۱۳۷۴ش، ص

۲۰۹.

۴۴. مانند اینکه توصیه شده است هنگام راه رفتن نباید محکم پا را بر زمین کوبید و یا کسی که

وارد بستر می‌شود، باید گوشه لحاف و بالش را ببوسد. (Figlali, p 165)

۴۵. یوسفی، غلامحسین، *ابومسلم سردار خراسان*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶،

ص ۵ - ۱۸۴.

۴۶. نه نسخه از *ابومسلم‌نامه* به ترکی، و چهار نسخه از آن به فارسی، در کتابخانه ملی پاریس

موجود است. همچنین، در کتابخانه‌های استانبول، نوزده نسخه خطی از *ابومسلم‌نامه* به ترکی

موجود است. (یوسفی، غلامحسین، پیشین)

۴۷. ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن موسی طرسوسی، از نویسندگان سده ششم هجری است که از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. وی، مؤلف آثار ادبی چون: *داراب‌نامه*، *قهرمان‌نامه* و *ابومسلم‌نامه* است. (ن.ک: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش، ذیل مدخل «ابوطاهر طرسوسی»)
۴۸. یوسفی، غلامحسین، پیشین.
۴۹. ن.ک: طرسوسی، ابوطاهر علی بن حسین، *ابومسلم‌نامه؛ حماسه ابومسلم خراسانی*، به کوشش اقبال یغمایی، تهران: ۱۳۵۵ش.
۵۰. پاشازاده، عاشق، پیشین، ص ۲۰۵.
۵۱. برای اطلاعات بیشتر درباره باجیان روم، ن.ک: بایرام، میکائیل، *جنبش زنان آناتولی*، فاطمه باجی و باجیان روم، ترجمه وفایی وجودکی، تهران: ۱۳۸۰ش.
۵۲. پیر و مرشد کامل.
۵۳. امامی خوبی، محمدتقی، پیشین، ص ۳۲۲.
۵۴. گولپینارلی، پیشین، ص ۳۵ - ۳۸.
۵۶. کاشانی، عبدالرزاق، *تحفة الأخوان فی خصائص الفتیان*، مقدمه و تعلیق محمد دامادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۳۰ - ۲۳۲.
56. Esad Cosan, *Haci Bektasveli Makalat*, s. p 27.
۵۷. در بین اهل فتوت آنچه مریدان می‌بایست درباره عقاید و آداب و رسومشان می‌دانستند، عموماً به صورت شعر یا جملات منثور فارسی یا عربی به آنها آموزش داده می‌شد. به این سخنان، «ترجمان» گفته می‌شود. (گولپینارلی، پیشین، ص ۷۲)
۵۸. سوره فتح، آیه ۱۰.
۵۹. در بین بکتاشیان، نیاز، نوعی نیایش به جای نماز است که عبارت است از: بر روی زمین زانو زدن، هر دو دست را جلو گذاشتن و زمین را بوسیدن.
۶۰. گولپینارلی، پیشین، ص ۸۸.